ولایت فقیه از دیدگاه شهید ثالث

مقاله ۱۳، دوره ۱۰، شماره ۵۷-۵۶، بهار ۱۳۷۲، صفحه ۳۸۵-۳۹۶

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اصل مقاله

سقوط بغداد در سال ٦٥٦ هـ . ق و از هم پاشیدگی حکومت عباسیان و ظهور و بروز برخی از حرکتها و نهضتهای تند شیعی علیه دستگاه حاکم مانند: قیام سربداران و... از حوادث مهم و عظیم در تاریخ شیعه امامیه می باشد.

با وقوع این سلسله حوادث که آزادی قلم و اندیشه و تشکیل مدارس فلسفی را در پی داشت موضوع شیوه حکومت و رهبری و امامت مسلمانان در عصر غیبت کبرا از مسائل مورد بحث در نزد فقهای امامیه شد. قطعاً نمی توان گفت: امت اسلامی تا ظهور حضرت مهدی(عج) به حال خود رها و یا سرنوشت آن به دست حکومتهای طاغوتی سپرده شده باشد.

از این روی موضوع حکومت و ولایت بر امت مسلمان در سرتاسر تاریخ شیعه از مسائل بحث انگیز و جنجال آفرین در فقه و حقوق اسلامی بوده است.

جمال الدین ابو منصور حسن بن سدید الدین یوسف معروف به علاّمه حلّی (متولد ۲۷ رمضان ٦٤٨هـ ق. و متوفی سال ۷۲٦ هـ ق) مؤسس و مجدد مذهب امامیه در قرن هشتم هجری در کتاب خود: (تذکره)

موجبات و اسباب ولایت را پنج چیز دانسته است.

۱ . ولایت پدر بر فرزند.

۲ . ولایت جدّ پدری بر نوه خود.

۳ . ولایت مالک بر مملوک.

٤ . ولایت امام عادل بر مسلمانان.

۵ . ولایت وصی بر مورد وصیّت.

علمای سُنی نیز دو نوع دیگر ولایت را بر آن افزوده اند: ولایت عُصبه و ولایت عتق که فقهای شیعه این دو نوع ولایت را قبول ندارند.

آنچه در این مقال بررسی خواهیم کرد مسأله رهبری و ولایت امام عادل بر مسلمانان و حدود و ثغور آن در عصر غیبت می باشد.

در میان فقهای شیعه امامیه درباره ولایت فقهاء بر مسلمانان دوگرایش فکری وجود دارد:

۱ . برخی از فقهاء ولایت فقیه را در عصر غیبت کبرا مطلق دانسته اند. اینان بر این باورند: به همان گونه که انبیاء و ائمه(ع) ولایت مطلق و غیر محدود بر امت اسلامی دارند فقها نیز به عنوان جانشینان آنان:

(العلماء ورثۀ الانبیاء) از چنین اختیاری بر خود دارند. برای اثبات نظر خود به ادله و احادیثی چند استناد کرده اند.

۲ . گروهی دیگر ولایت فقیه را مقید دانسته اند. بدین معنی: چون اصل عدم ولایت دیگران بر افراد است باید در این موضوع به قدر متیقن که همان ولایت در اذن می باشد بسنده کرد.

در گروه اوّل دو گرایش فکری در این باره وجود دارد:

۱ . فقیه اختیار مطلق دارد در تصرف گر چه هیچ گونه مصلحتی در کار نباشد.

۲ . فقیه اختیار مطلق دارد در تصرفد منتهی در محدوده مصلحت و صلاح مولی علیه. امام خمینی به همین نظر تمایل دارد.۱

از نظر تاریخی باید اذعان کرد که اکثریت فقهاء ولایت رامنحصر در اذن دانسته اند.

سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲هـ . ق) این نوع ولایت را برای انبیاء و ائمه(ع) مورد اشکال قرار داده است.۲

ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ ـ ۱۱٤٥هـ . ق) از اعاظم علمای امامیّه می نویسد:

(.... المقام الثانی فی بیان وظیفه العلماء الابرار والفقهاء الاخیار فی امور الناس ومالهم فیه الولایۀ علی سبیل الکلیه فنقول

و بالله التوفیق: ان کلیۀ ماللفقیه العادل تولیه وله الولایۀ فیه امران.

احدهما: کلما کان للنبی والآمام الذین هم سلاطین الانام و حصون الاسلام فیه الولایۀ وکان لهم فللفقیه ایضا ذلک الاما اخرجه الدلیل من اجماع او نص او غیرهما.

و ثانیهما: ان کل فعل متعلق بامور العباد فی دینهم او دنیاهم ولابد من الأتیان به ولامفر منه اما عقلا او عادۀ من جهۀ توقف امور المعاد او المعاش لواحد او جماعۀ علیه واناطۀ انتظام امور الدین او الدنیا به او شرعا من جهۀ ورود امر

به او اجماع او نفی ضرر او اضرار او عسرا وحرج او فساد علی مسلم او دلیل آخرا ورود الاذن فیه من الشارع ولم یجعل وظیفهٔ لمعین واحد او جماعهٔ ولا لغیر معین ای واحد لابعینه بل علم لابدیهٔ الاتیان به او الاذن فیه ولم یعلم المامور به ولا الماذون فیه فهو وظیفه الفقیه وله التصرف فیه والایتان به...)۳

سپس نظر خویش را به سلسله احادیث و روایاتی مشهور که در حق قهاء از پیغمبر اکرم(ص) وائمه معصومین(ع) روایت گردیده استناد می کند مانند: (العلماء ورثهٔ الانبیاء) (وخلیفهٔ الرسول) (والحجهٔ من قبلهم) (وانه المرجع فی جمیع الحوادث) (وانه الکافل لایتامهم) (افتخر یوم القیامهٔ بعلماء امّتی فاقول علماء امتی کسائر انبیاء قبلی).٤

سپس در اثبات گفتار اول خود بر مسله ولایت فقیه می نویسد:

(.... اما الاول: فالدلیل علیه بعد ظاهر الاجماع حیث نص به کثیر من الاصحاب بحیث یظهر منهم کونه من المسلمات ماصرح به الاخبار المتقل مه من کونه وارث الانبیاء...).

علامه نراقی بحث خویش را در ولایت فقیه بر اساس دو اصل کلی بنا کرده است:

۱ . ولایت مطلق فقیه. ایشان بر این باور است: همان گونه که انبیاء وائمه(ع) ولایت مطلق و غیر محدود بر امت اسلامی دارند (به استثنای مواردی که به دلیل اجماع یا نص و... خارج شده باشد) فقهاء نیز ولایت مطلق و غیر محدود دارند.

۲ . ولایت فقیه بر کلیه مسائل و اموری که از نظر شرع و عقل قطعی و از برای انجام آنها کسی تعیین نگشته باشد. ایشان بر این عقیده است: در این موارد بر عهده فقیه است که قیام به آنها کند.

شهید ثالث بخشهایی از کتاب بیست و چهار جلدی و دائره المعارف گونه خود در فقه شیعه به نام منهج الاجتهاد که شرح شرایع علامه حلّی نیز می باشد در کتاب جهاد قضاء و زکات که ولایت فقیه را مطرح می کند به ولایت مطلقه فقیه بر اساس نیابت عامه فقهاء در عصر غیبت کبرا اعتقاد دارد. مانند حضرت ا مام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی.

شهید ثالث در کتاب جهاد می نویسد:

(.... او عن فرقه من المسلمین التقت مع فرقه منهم وکانت لهم قوهٔ علیها اوعن فرقه من المسلمین من اهل الحق بغت علیها فرقه من اهل الباطل ولم یمکن دفع ذلک الابتهیهٔ الجنود وجمع العساکر ففی هذا القسم ان وجد امام معصوم متمکن من ذلک فهو منصبه ومقدم علی من عداه ولایرتکب احد ذلک من غیر اذنه علی الاحوط اقتصارا فیما خالف الاصل علی موضع ثبت فیه الاذن والرخصه ممن له الاذن والملک والسلطنه الحقیقیه واذا لم یحضر الامام بان

کان غایبا او کان حاضر او لم یتمکن من استیذانه والرجوع الیه وجب علی المجتهد القیام بهذا الامر حصول الاذن له بحکم النیابهٔ العامهٔ والاحوط ایضا ان لایرتکب احد التعرض لهذا الامر من غیر اذنه لما مر من لزوم الاقتصار فیما خالف علی الاصل علی موضع الیقین وان لم یجد او وجد لکن لایمکن الاخذ عنه....)۵

در صورتی که طائفه ای از مسلمانان با فرقه ای از دشمن قوی برخورد کردند و یا این که طائفه ای از اهل حق مسلمانان مورد حمله و طغیان گروهی از اهل باطل قرار گرفتند و قادر نبودند که دشمن را دفع کنند مگر با تهیّه سرباز و سپاه در چنین شرایطی اگر امام معصوم(ع) حاضر باشند تصمیم درباره این امر خاص با اوست وهیچ کس حق اقدام به این عمل را بدون اذن وی ندارد. بنابر احتیاط در آن جایی که مخالف اصل است فقط در موردی که امام(ع) به فقیه اجازه داده است که از طرف وی بر ملک و فرمانروایی ولایت داشته باشد اکتفا می گردد. اگر امام(ع) حاضر باشد ولی دسترسی به وی برای کسب اجازه مقدور نباشد در این صورت دستور جهاد واعلان جنگ و تهیه سپاه

بر مجتهد واجب می گردد بر اساس نیابت عامه.

همچنین بنابر احتیاط هیچ کس نباید بدون اجازه مجتهد اقدام به این امر به همان دلیل که گذشت و آن عبارت است از اکتفا بر موضع یقین در جایی که خلاف اصل است.

بنابراین در صورت غیبت امام(ع) و یا این که امام (ع) حاضر باشد ولی دسترسی به او جهت کسب اجازه مقدور و میسّر نباشد کلیه شؤون و اختیاراتی که حفظ نظم و امنیت و تهیه سرباز و سپاه و اداره کشور و اجرای احکام اسلامی بدان بستگی دارد فقیه دارا می باشد.

شهید ثالث در پایان کتاب ارث خود که سال فراغت از تألیف آن سنه ۱۲۵۳هـ . ق می باشد صریحاً حکومت عصر خویش را غیر شرعی و جزء دولتهای ظلمه دانسته است که زمام دوست و حکومت را غاصبانه به خود اختصاص داده است:

(.... واحفظنا عن شرارهٔ ظلمه اللئام ومفاسد ادانی رجال الایام سیما رجال السوء للدولهٔ الباطلهٔ الحادثه فی عصرنا....)٦

این برهه از زمان که شهید ثالث کتاب ارث خود را به پایان رسانده بود مصادف است با روزگار سلطنت محمد شاه فرزند عباس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار (جلوس ۱۲۵۰ ـ متوفی ۱۲٦٤هـ . ق).

گذری به زندگی شهید ثالث

مولی شیخ محمد تقی مشهور به شهید ثالث فرزند ملا محمد ملائکه فرزند ملامحمد تقی فرشته فرزند ملامحمد جعفر فرزند ملا محمد کاظم برغانی قزوینی. وی در قریه برغان از توابع قزوین حدود سال ۱۱۷۲هـ ق. دیده به جهان گشود و در تاریخ ۱۷ ذی القعده بر اثر جراحات وارده به هنگام نماز صبح در محراب مسجد در تاریخ ۱۵ ذی القعده سال ۱۳٦۳هـ .ق. در قزوین به شهادت رسید.

وی علوم اولیه و فنون ادب و قسمتی از سطوح و علوم عقلی و منطق را در نزد پدر در برغان فرا گرفت. سپس به قزوین مهاجرت و در آن شهر از محضر علمای اعلام کسب فیض کرد و بعد به اصفهان

هجرت کرد و در آن حوزه علوم عقلی را در نزد آخوند ملا آقا بیدآبادی (م: ۱۱۹۷هـ . ق) فرا گرفت و آن گاه عازم عتبات مقدسه عراق شد و به حوزه درس آقا باقر بهبهانی حائری (م: ۱۲۰۵هـ .ق) پیوست و از آن بزرگوار بهره ها برد.

در این هنگام بر اثر شیوع بیماری (وباء) در عراق به موطن خویش باز گشت.

برای تکمیل تحصیلات خود به قم رفت و از حوزه درس میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین (م: ۱۲۳۱ هـ ق.) بهره مند گردید. بعد به اصفهان رفت و در آن شهر مسکن گزید و علوم عقلی را نزد ملاعلی نوری (۱۲٤٦ هـ .ق) به پایان رسانید. بر اثر نبوغ و استعداد و هوش فوق العاده در اندک مدت دانش حکمت و فلسفه را به خوبی فرا گرفت و کرسی تدریس فلسفه را در حوزه اصفهان به خویش اختصاص داد. موضوع درس وی الشواهد الربوبیه نوشته صدر المتألهین بود.۷ بر اثر احاطه فراوان به آراء سلف و نظریات صدرالمتألهین و حسن تقریر و طلاقت لسان و حجّت بیان جمع کثیری از دوستداران علوم عقلی در حوزه او گرد آمدند و از محضرش بهره می بردند.

پس از مدتی اصفهان را به سوی کربلای مقدس ترک کرد و به حوزه درس سید علی طباطبایی (م: ۱۲۲۱ هـ .ق) صاحب ریاض ملحق گردید و از محضر آن بزرگوار بهره برد. بعد به نجف اشرف رفت و از حوزه شیخ جعفر کبیر (م: ۱۲۲۸هـ .ق) صاحب کشف الغطاء سالها بهره برد و از مشایخ خویش اجازاتی دریافت داشت و آن گاه به موطن خویش بازگشت و در تهران ساکن شد. در تهران کرسی تدریس داشت و مقام افتاء از آن او بود.

طلاب علوم دینی از اکناف و اطراف برای استفاده و بهره وری نزد او آمدند و برگردش حلقه زدند.

در روزگار ریاست وی در تهران بر اثر بی کفایتی فتحعلی شاه قاجار و شکست ایران در جنگ اول ایران و روس (۱۲۲۸ ـ هـ . ق) ولایات شمال ایران به اشغال روسها درآمده بود و انگلستان و فرانسه در ایران شدیداً رقابت داشتند و انگلستان در امور داخلی ایران دخالت می کرد.

این حوادث خشم شهید ثالث را برانگیخت و برای نخستین بار مسأله ولایت فقیه از طرف ایشان مطرح شد. قیام او شاه

قاجار را با دشواری جدیدی مواجه کرد. از این روی علمای طراز اول تهران را به کاخ گلستان دعوت کرد. در حضور شاه جلسه ای تشکیل شد. شهید ثالث در این جلسه مسأله رهبری فقهاء را در عصر غیبت کبرا عنوان کرد. این مسأله مورد تأیید برخی از فقهای حاضر در جلسه قرار گرفت. ولی شیخ ملا محمد علی مازندرانی معروف به جنگلی که از مقربان در بارشاه بود به دفاع از مقام سلطنت و نقش رهبری فتحعلی شاه برخاست. شاه شدیداً از شهید ثالث ناراحت شد ودر پی آن دستور تبعید وی و دو برادرش: شیخ محمد صالح وملاعلی برغانی را به عراق صادر کرد.۸

عصر شهید ثالث و جنبشهای فکری

در اروپا ماشین بخار اختراع می گردد. انقلاب صنعتی غرب پدید می آید. دولت انگلیس برای بازاریابی کالاهای خویش و تهیه مواد اولیّه کمپانی هند شرقی را تأسیس می کند.

شعبه های کمپانی در دو سوی خلیج فارس از بصره تا بوشهر و بحرین و مسقط افتتاح می گردد. در این هنگام برای مشغول کردن ذهن و فکر مسلمانان و به دور نگاه داشتن آنان از مسائل که در اطراف و اکناف می گذرد مبلغان مسیحی به سوی شرق سرازیر می شوند و نیز در جزیرۀ العرب دو جریان تند افراط و تفریط براساس یک تفکر غلط که از طرف مسلمانان مردود شناخته شد پدیدار گشت. جریانهایی که فتنه های گوناگون و خون ریزیهای فراوانی را در پی داشت و هنوز هم آثار آن دو جریان منحوس در جهان باقی است.

نخستین حرکت در جزیرۀ العرب وهابیه بود. وهابیّه براساس افکار عالم حنبلی مذهب به نام: محمد بن عبد الوهاب نجدی (۱۱۱۵ ـ ۱۲۰٦ هـ . ق) شکل گرفت.

دومین جنبش جزیرۀ العرب جریان شیخیه است. این جریان بر اساس افکار شیخ احمد بن زین الدین احسائی (۱۱٦٦ ـ ۱۲٤۱هـ . ق) که شیعه بود و افکار غلوآمیز داشت پی ریزی شد.

شیخ احمد احسائی مؤسس فرقه شیخیه که ایران را مکان مناسبی برای نشر افکار خود یافته بود در ابتدا پیشرفت زیادی داشت تا

آن جا که به دربار ایران راه یافت و روابط صمیمانه ای با فتحعلی شاه برقرار کرد و به تبع شاه دیگر شاهزادگان و امراء و اعیان به او ارادت می ورزیدند.

شهید ثالث و مدرسه فکری قزوین

شیخ احمد احسائی پس از مرگ دولتشاه در سال ۱۳۳۷هـ ق. کرمانشاه را به سوی قزوین ترک گفت و به مدرسه فلسفی قزوین که در آن روزگار از عظیم ترین مدارس فلسفی شیعه بود ملحق گردید و در مدرسه صالحیه مشغول تدریس آراء و فلسفه خویش گشت.

شیخیه افزون بر اختلاف در اصول دین مانند امامت و معاد۹ دارای مشرب تند اخباری هستند. علمای اصولی خطری که از جانب این گروه متوجه کیان تعقل بود احساس می کردند. قزوین مانند دگر مراکز شیعه به دو قسمت تقسیم شده بود: شیخیه و متشرعه. اختلافات شدید بود. صدها نامه از مراکز علمی شیعه به بیت شهید ثالث و برادرش شیخ محمد صالح برغانی می رسید که حاکی از سئوال و دادخواهی بود. علمای ایران وعراق به خاطر روابط صمیمانه فتحعلی شاه و شاهزادگان با احمد احسائی و پشتیبانی سلاطین آل عثمانی از وی در برخورد با او تقیه می کردند.۱۰

شهید ثالث که خطر را جدی احساس می کند وارد صحنه پیکار می شود. با تعیین وقت برای مناظره با احمد احسائی از علمای فریقین برای شرکت در جلسه مناظره دعوت می کند. مناظره ومباحثه آغاز می شود. پس از مباحثه و مناظره طولانی احمد احسائی رامحکوم کرد. و به ا فهماند که بر اثر عدم درک و آشنایی با قواعد و اصطلاحات فلسفی وادی گمراهی و ضلالت افتاده و از دین خارج گردیده است. هنگامی که احسائی بر رأی و نظر خود اصرار می ورزد شهید ثالث حکم به تکفیر وی دادند. این فتوا نقطه عطفی در تاریخ شیعه به شمار می آید.۱۱

فقهای امامیّه شهید ثالث را به عنوان رئیس العلماء شیعه تصدیق کردند و شیعه امامیّه در ایران و عراق وسایر مراکز شیعه حتی در زادگاه شیخ احمد احسائی تا عصر حاضر از این فتوا پیروی می کنند.۱۲

شیخیّه که منشعب به بابیه گردید شهید ثالث دگر بار به میدان نبرد آمد و فتوای

تاریخی خود را در تکفیر این گروه گمراه صادر کرد. استاد ما شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه قیام شهید ثالث را در مبارزه علیه با بیان چنین یاد می کند:

(در عصر رهبری شهید ثالث با بیان سر به شورش برداشتند و خون عده ای بی گناه برزمین ریختند. او شجاعانه قیام کرد و به نبرد پرداخت و قهرمانانه با دشمنان دین مبارزه کرد و فتوا بر کفر و نجاست آنان داد. گمراهی آنان را برای مردم روشن کرد و تمام آرزوهای آنان را نقش بر آب نمود...)۱۳

شهادت شهید ثالث

قیامها و نهضتهای شیعی فصل درخشان تاریخ اسلام و شیعه است. قیام ائمه هدی(ع) در برابر ائمه جور الگو و راهگشای پیشوایان و مصلحان شیعه در قیامهای آنان علیه طاغوتها بوده هست.

مبارزات علی(ع) علیه انحرافهای مذهبی کینه خوارج را برانگیخت و امام را در مسجد کوفه به شهادت رساندند. فرزندان آن بزرگوار یکی پس از دیگر به قافله شهدا پیوستند.

فقهای شیعه که جانشینان بحق ائمه هدی هستند در قیامهای خویش علیه حکام جور و طاغوتیان زمان و انحرافات دینی شهدای بسیاری در راه حق و عدالت تقدیم جامعه بشری کرده اند که علامه امینی در کتاب شهدا الفضیله ۱۲۷ نفر از مشهورترین آنان را از مطلع قرن چهارم تا قرن چهارده نام می برد. ولی ازاین تعداد فقط سه نفر به عنوان شهید در نزد شیعیان مشهور هستند.

استاد ما مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در هنگام نگاشتن شرح حال شهید ثالث می نویسد:

(شهید اول یا شهید مطلق نزد علمای امامیه و کلمات آنان شیخ شمس الدین ابوعبد اللّه محمد ابن جمال الدین مکی عاملی نبطی جزینی شهادت در سال ۷۸٦هـ . ق. وشهید ثانی شیخ زین الدین بن علی جبعی عاملی شامی معروف به ابن الحجۀ. شهادت در سال ۹٦٦هـ . ق. و شهید ثالث شیخ مولی محمد تقی بن محمد

برغانی قزوینی. شهادت در سال ۱۲٦۳ هـ . ق هستند).١٤

از این روی لقب شهید که بر جستگان ائمه(ع) و علمای امامیه بدان شهرت یافته اند یک پدیده الهی است که از جانب غیب به آنان داده شده است و هرگز به شخص یا افراد و یا طائفه ای تعلق ندارد.

شهید ثالث چنانچه اشاره کردیم در سه محور به نبرد پرداخت:

۱ . در بار ایران.

۲ . شیخیگری.

۳ . با بیگری.

این سه گروه از دشمنان سرسخت او بودند و ائتلاف و هم پیمانی شوم آنان سبب گردید جنایت هولناکی به وقوع پیوند دو آن به شهادت رساندن آن بزرگوار در محراب عبادت بود. اکنون قبر آن بزرگوار در مزار شهدای قزوین زیارتگاه مؤمنان و شیعیان قدر شناس است. خبر شهادت شهید ثالث جهان تشیّع را به لرزه در آورد و بازتاب

عظیمی در سراسر بلاد اسلامی داشت. تمام حوزه های علمی شیعه: هندوستان خلیج فارس عراق لبنان و... به سوگواری پرداختند و شعرای عرب و عجم و هند و ترک قصائدی در رثای وی سرودند از جمله:

بتاریخ شیهد ثالث آمد شهید ثانی محراب اسلام

شاعر عرب درویش علی بغدادی (۱۲۲۰ ـ ۱۲۹۳ هـ .ق) از مشاهیر شعرای عراق قصیده ای در وجه تشابه بین شهادت شهید ثالث و امیرالمؤمنین(ع) سروده و شقاوت قاتلان شهید ثالث را از ابن ملجم شقی تر می خواند. مطلع آن چنین است:

فلا غرو فی قتل التقی اذا قضی قصی وهو محمود النقیبهٔ والاصلله اسوهٔ بالطهر حیدرهٔ الرضاوقاتله ضاهی ابن ملجم بالفعل

یکی از شاعران فارسی زبان چنین سروده است:

حیف از شهید ثالث آن قطب و نجم دینکوبد به زهد و علم و عمل در جهان وحیدگشت او قتیل و گفت به تاریخ او خردگردید آه و داد تقی قطب دین شهید

مطلع قصیده عربی دیگر از این قرار است:

قفا لنبل الاجر و الثواب فی مشهد الشهید فی المحراب

وکان ناشرا للفتوی هوی‌معالم السند و الکتابفی الفجر کان ساجدا مناجیا صار شهیدا لرضی الوهاب

مؤلفات و مصنّفات شهید ثالث

شهید آثار قلمی و مؤلفات ارزنده ای از خود باقی گذاشته که مشهورترین آنها عبارت است از:

۱ . کتاب (منهج الاجتهاد) عربی. دائرهٔ المعارف گونه فقه شیعه در بیت و چهار جلد بزرگ که تمامی ابواب فقه: از طهارات تا دیات دربر دارد.

تألیف جلد اوّل در ماه ذی الحجهٔ الحرام سال ۱۲۲٦ هـ . ق آغاز شده و در قریه برغان مسقط الرأس وی در جمادی الاول سال ۱۲۲۷ هـ . ق به انجام رسیده است.

تألیف این دائرهٔ المعارف گونه فقهی سالها به درازا کشیده است.

این کتاب از منابع شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام بوده است۱۵

۲ . کتاب شرح الشرایع: این کتاب که یک جلد بزرگ می باشد تمامی ابواب فقه را در بردارد. تالیف سال ۱۲۲٦ هـ . ق

۳ . یک دوره فقر فارسی از طهارت تادیات.

٤ . عیون الاصول. در دو جلد بزرگ. غالب آن اعتراض به میرزای قمی صاحب قوانین است.١٦

٥ . شرح الروضه. عربی.

٦ . شرح بر معالم. عربی.

۷ . ملخص العقاید. عربی.

۸ . رسالهٔ فی صلاهٔ الجمعه.

۹ . رسالهٔ فی عدم وجوب هبهٔ الولی مدهٔ منقطعه المولی علیه.

۱۰ کتاب دیات. فارسی.

۱۱ . رسالهٔ فی قضاء الصلوات.

۱۲ . رسالهٔ القضاء عن الاموات.

۱۳ . مجالس المتقین. این کتاب کراراً به چاپ رسیده است۱۷

شهید ثالث دارای فتاوی غریبه خلاف مألوف بین فقهاست.

۱ . حکم به طهارت عصیر مغلی قبل از ذهاب ثلیثن. مولی احمد نراقی نیز همین نظر را دارد.

۲ . حکم به جواز صلح دعوا به یمین و جواز تحلیف غیر مجتهد.

۳ . فتوا به جواز غناء در رثای حضرت ابی عبد اللّه الحسین(ع) و غیره(۱۹).

از آثار و مآثر دیگر شهید ثالث:

۱.مسجد بزرگ در قزوین واقع در محلّه دیمج.

۲ . مدرسه دینی در سه طبقه در شمال مسجد فوق.

۳ . مسجد در کربلای مقدس در محلّه باب السلامه.

تمامی این آثار تا عصر حاضر به نام آن شهید معروف می باشد.

مراجع

پاورقی ها :

۱ . (کتاب البیع) امام خمینی ۲/٤۸۹ انتشارات اسماعیلیان قم.

(فلو قلنا بان المعصوم علیه السلام له الولایهٔ علی طلاق زوجهٔ الرجل او بیع ماله او اخذه منه ولو لم یقتضی المصلحهٔ العامهٔ لم یثبت ذلک للفقیه ولا دلالهٔ للادلهٔ المتقدمه علی ثبوتها...)

۲ .

۳ .

٤ . (عوائد الایام) ملا احمد نراقی ۱۸۷/ ـ ۱۸۸ انتشارات بصیرتی قم.

۵ . (همان مدرک) ۱۸٦/ ۳۵۰ ۳۷۷.

٦ . (منهج اللاجتهاد) شیخ محمد تقی برغانی فزوینی معروف به شهید ثالث ج۸/۳ ـ ٤ نسخه مورخه ۱۲٤٦ هـ . ق. از مخطوطات کتابخانه نگارنده این سطور قزوین

۷ . (همان مدرک) ج۲۰ صفحه آخر.

۸ . (قصص العلماء) میرزا محمد تنکابنی ۱۹/ انتشارات علمیه اسلامیه.

۹ . (دائره المعارف تشیّع) ج۱۸۰/ ـ ۱۸۱. این برخورد تاریخی را میرزا محمد تنکابنی در (قصص العلماء) ۳۱/ ـ ۳۲ و مهدی با مداد در (شرح حال رجال ایران) ج۱/۲۰٤ انتشارات زوار به گونه ناقص ذکر کرده اند.

۱۰ . (دائرهٔ المعارف فارسی) مصاحب ج۲/۱۵۲٤. ماده شیخیته.

۱۱ . (دائرهٔ المعارف تشیع) ج۱/۵۰۰ ـ ۵۰۱.

۱۲ . (دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه) سید حسن امین) ج۵/۲۷۱ ـ ۲۷۲ بیروت ۱٤۱۰ هـ . ق. ۱۹۹۰ م.

۱۳ . (الشواهد الربوبیه) مقدمه سید جلال الدین آشتیانی ۱۱۱/ انتشارات دانشگاه مشهد ۱۳٤٦ش.

۱٤ . (الکرام البررة) شیخ آقا بزرگ تهرانی ج۱/۲۲۷ دار المرتضی ۱٤۰٤هـ . ق چاپ دوّم.

۱۵ . همان مدرک) ج۱/۲۲٦.

۱٦ . (همان مدرک) ج۱/۲۲۸.

۱۷ . (الذریعه الی تصانیف الشیعه) آقا بزرگ تهرانی ج۱۵/۳۷۷.

۱۸ . (مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی) خان بابا مشیر ج۲/٤٤۸.

۱۹. (الکرام البررة) شیخ آقا بزرگ تهرانی ج۱/۲۲۸.